

بررسی سخن

در سه داستان: کباب غاز، گیلهمرد و گلدسته‌ها و فلک

جعفر فولادفر

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات آموزش و پرورش شهرستان داراب

محمد هنری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات آموزش و پرورش شهرستان داراب

اشاره

لحن یکی از عناصر مهم داستان است که جنبه‌های روساختی و زیرساختی داستان را آشکار می‌کند. در این مقاله لحن در سه داستان «کباب غاز»، «گیله‌مرد» و «گلدسته‌ها و فلک» که در کتب ادبیات دبیرستان آمده است، بررسی می‌شود.

چکیده

لحن در داستان می‌تواند در روان خواندن و صحیح خواندن و درک بهتر داستان به مخاطب کمک کند. لحن، آهنگ بیان نویسنده و طرز برخورد او با موضوع و شخصیت‌های داستان است. در هر سه داستان نام برده، لحن مورد نقد قرار گرفته و تأثیر آن بر موضوع و محتوای داستان بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: لحن، داستان، کباب غاز، گیلهمرد، گلدسته‌ها و فلک

مقدمه

بررسی عناصر یک داستان مستلزم شناخت همه عناصر داستانی است. شناخت عناصر داستان می‌تواند در شناخت زیبایی‌های داستان تأثیر داشته باشد. پیش از آنکه ناقدان و نویسندگان یک اثر داستانی را نقد، و عناصر آن را تحلیل کنند، آن اثر متولد می‌شود و راهش را پیدا می‌کند. لحن از عناصر مهمی است که جنبه‌های

را گریه‌دار و حزن‌انگیز می‌کند. «لحن، طرز برخورد نویسنده با موضوع و شخصیت‌های داستان است» (همان). اگر موضوع طنزآمیز باشد، لحن نیز به همان نسبت تغییر می‌کند. اگر جدی و رسمی و صمیمی باشد لحن نیز جدی و رسمی، ساده و صمیمی خواهد بود. در ادبیات داستانی، هنگامی که محتوای داستان حماسی و شورانگیز باشد، لحن و آهنگ کلام نیز رزمی و جنگجویانه است. همان‌طور که صدای سم اسب‌ها و چکاچک شمشیر از هارمونی کلمات شنیده می‌شود، لحن، با عظمت و شکوه و جلال خاصی بیان می‌گردد. ریتم و آهنگ کلمات به شکلی است که مخاطب به واژه‌هایی که به قهرمانان داستان نسبت داده می‌شود توجه می‌کند.

لحن در داستان می‌تواند به شکل‌های مختلف و حالت‌های متفاوت آورده شود؛ لحن ممکن است خنده‌دار، گریه‌آور، جدی، طنزآمیز، تحقیرآمیز، نشاط‌آور، موقرانه، رسمی یا صمیمی، خشم‌آلود، التماس‌آلود، ملال‌آور، شبهه‌انگیز، تکبرآمیز، با بذله‌گویی و ... باشد. نویسنده بسته به موضوع و محتوایی که انتخاب کرده است، لحن و سبک خود را عوض می‌کند. داستان‌نویسان اغلب از لحن و سبک خاصی پیروی می‌کنند که براساس محتوا و موضوع داستان است.

روساختی و زیرساختی داستان را آشکار می‌کند. در این مقاله لحن در سه داستانی که در کتب ادبیات دبیرستان آورده شده است، بررسی می‌شود. عناصر داستان هر کدام در جای خود اهمیت ویژه‌ای دارد. لحن از عناصری است که می‌تواند جایگزین مناسبی برای سایر عناصر جهت روشن نمودن جنبه‌های مختلف داستان باشد. «اگر عنصر پیرنگ مورد بی‌توجهی قرار گیرد، عنصر دیگری چون لحن، فضا، یا رنگ جایگزین آن می‌شود» (میرصادقی، عناصر داستان: ۱۴). لحن می‌تواند در روان خواندن، صحیح خواندن و درک بهتر داستان به مخاطب کمک کند. لحن همانند روغن، نرم‌کننده و روان‌کننده داستان است. «لحن آهنگ بیان نویسنده است» (همان: ۵۲۱). نویسنده بسته به موضوعی که انتخاب کرده است، از لحن خاصی استفاده می‌کند. هر چند لحن ناخواسته و جزء سبک نویسنده است، نویسنده هنگامی که سیر داستان را به پیش می‌برد، از کلماتی بهره می‌گیرد که در کنار هم چارچوب موضوع را مشخص می‌کنند. موسیقی و آهنگی که کلمات در کنار هم ایجاد می‌کنند، مخاطب را به سمت موضوعی که محور داستان است می‌کشاند. موضوع طنز، لحن را خنده‌دار می‌کند و موضوع عشقی که از جدایی و دوری سخن می‌گوید، لحن



داستان کباب غاز

داستان کباب غاز جزء داستان‌های حادثه‌محور است و حول حادثه‌ای شگفت‌انگیز و غیرمنتظره می‌چرخد. در این داستان، پیرنگ به شکلی انتخاب شده است که مخاطب هنگامی که شروع به خواندن می‌کند تا آن را تمام نکند رها نمی‌سازد. اما با توجه به اینکه این داستان طنزآمیز است، مخاطب پس از خواندن، هر چند احساس شور و شفع می‌کند و دوست دارد آن را برای دیگری تعریف کند اما رغبتی نشان نمی‌دهد که یک بار دیگر آن را بخواند. لحن داستان کباب غاز نشاط‌آور، خنده‌دار، طنزآمیز و بذله‌گویانه است و نویسنده با استفاده از زبان محاوره و با استفاده از کلمات و اصطلاحات خاصی، سعی دارد مخاطب را با خود همراه کند. به سبب سادگی نثر، داستان همه فهم است. «بیان به ساده‌ترین صورت آن است. انگار کسی ما را مخاطب قرار داده است و با ما گفت‌وگو می‌کند؛ لحنی که در اغلب داستان‌های جمال‌زاده دیده می‌شود پر از اصطلاح و ضرب‌المثل و کلمه‌های عامیانه است و گاه اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌ها مثل دیگر داستان‌های نویسنده مترادف هم آورده می‌شود» (میرصادقی، جهان داستان: ۸۰).

داستان گیلهمرد

این داستان کوتاه از داستان‌های بسیار موفق بزرگ علوی است و دارای دو لایه واقع‌گرا و نمادین است. داستان گیلهمرد ظاهری واقع‌گرا و تا حدودی ناتورالیستی دارد اما عناصر آن طوری انتخاب شده‌اند که با تفسیر و تعبیر آن جنبه داستان ظاهر می‌شود (میرصادقی، جهان داستان: ۱۳۳). این داستان از زاویه دید دانای کل به نگارش درآمده است اما بیشتر از نگاه دو شخصیت اصلی، یعنی گیلهمرد و مرد بلوچ، تشریح می‌گردد. برخوردهای عاطفی شخصیت‌های داستان با یکدیگر باعث می‌شود نویسنده بتواند لحن مورد نظر خود را به خوبی به خواننده منتقل کند و خواننده با استفاده از لحن گفت‌وگوها و توصیف وضعیت و موقعیت‌های زمانی و مکانی و انعکاس آن بر حالت‌های روانی شخصیت‌ها احاطه یابد.

داستان گلدسته‌ها و فلک

این داستان که جزء داستان‌های واقع‌گرای نمادین است، دو شخصیت اصلی، اصغر و راوی، دارد. موضوع داستان بسیار ساده است و نویسنده ضمن استفاده مناسب از سایر عناصر داستان، لحن بسیار هنرمندانه‌ای به کار می‌برد. این داستان هر چند پیرنگی قوی ندارد، لحن آن چنان تأثیرگذار است که «وقتی از گلدسته‌ها صحبت می‌کند ما نه تنها به آنچه او می‌گوید گوش می‌دهیم بلکه تحت تأثیر لحن صمیمی او نیز قرار می‌گیریم و همین تأثیر لحن اوست که تأثیر واحد داستان را می‌آفریند» (میرصادقی، جهان داستان: ۱۷۲). لحن خاصی که در این داستان به کار رفته نشان از قدرت جلال آل احمد در نویسندگی دارد و با توجه به اینکه موضوع بسیار ساده است، نویسنده، خواننده را با خود همراه می‌کند. «بیان حسی و عاطفی کودک در ایجاد لحن داستان به نویسنده کمک می‌کند و در پایان خواننده ناگهان متوجه می‌شود که موضوع فقط بالا رفتن از گلدسته‌ها نیست بلکه داستان خصوصیتی نمادین دارد که ارزش آن را بالا می‌برد» (میرصادقی، جهان داستان: ۱۷۲).

دغدغه دو کودک بالا رفتن از گلدسته است و برای بالا رفتن از آن نقشه‌های متفاوتی طرح می‌کنند. نویسنده با استفاده از لحن صمیمی و زبان محاوره به نحو مطلوبی مقصود خود را منتقل می‌کند. چیزی که در پایان داستان مشخص می‌شود این است که نویسنده با استفاده از کلیه عناصر داستان و به‌ویژه لحن در جهت تفهیم این مطلب که منظور از فلک فقط معنای فلک کردن دانش‌آموز نیست بلکه معنای بلند دیگری را نیز به ذهن نزدیک می‌کند، موفق بوده است.

منابع

۱. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۱). جهان داستان. چاپ اول. تهران: نشر اشاره.
۲. —. (۱۳۶۵). ادبیات داستانی. چاپ دوم. تهران: نشر ماهور.
۳. —. (۱۳۷۶). عناصر داستان. چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن.
۴. ادبیات فارسی ۲
۵. ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی

شبکه استدلالی یا پیرنگ پرنگ داستان کار لحن را راحت‌تر می‌کند و خواننده با استفاده از رابطه علت و معلولی روان و معنی‌داری که در جریان داستان محقق می‌شود، می‌تواند لحن درون‌مایه داستان را روشن‌تر درک کند. نویسنده که از لحن جدی و رسمی و عادی استفاده می‌کند، به کمک زبان رسمی توصیف طبیعت را با حالات روحی شخصیت‌ها پیوند می‌زند. این پیوند در ابتدای داستان گیلهمرد به خوبی توصیف شده است. «شرح داستان با توصیف طبیعت شروع می‌شود و همخوانی آن با حالات روحی شخصیت‌ها، داستان را گسترش می‌دهد» (میرصادقی، ادبیات داستانی: ۱۴۰). نویسنده با لحن عصیانگر و ظلم‌ستیزانه، بی‌عدالتی را نشان می‌دهد. چون داستان جنبه نمادین دارد، لحن همه‌گیر آن می‌تواند بر هر مخاطبی تأثیر بگذارد و او را با خود همدل کند.